

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه کافرون (جله چهارم)

نختم منقوشی استاد اخوت ۹۴/۴/۲۰

خطاب‌های سوره مبارکه کافرون

یکی از شئون قرآن، وحی بودن آن به شخص پیامبر اکرم صل الله علیه و آله است. یکی از شاخصه‌های مهم وحی، کلام بودن آن است. (متکلم، مخاطب، خطاب و غرض خطاب)

- اولاً: مخاطب کلام وحی در هر حالتی پیامبر است و به تبع او بقیه از وحی مطلع می‌شوند. در هر حالتی کاف خطاب در آیات مستتر است، گاهی هم ظاهر می‌شود، در نظر داشتن این حقیقت باعث می‌شود که پیامبر (ص) در قرآن عظمت ویژه‌ای پیدا کند. (گویی انسان‌ها از اسرار پیامبر لبریز می‌شوند)
- ثانیاً: بعد از موضوع اول می‌توان راجع به بقیه خطاب‌ها گفتگو کرد یعنی دوبار راجع به خطاب‌های قرآن بحث می‌کنیم. موضوع اول در رابطه با ذات کلام است، در این حالت خطاب‌ها از جمله موضوعات کلام-اند.
- ثالثاً: در قرآن همیشه بین حق و باطل جدایی ایجاد می‌شود به همین دلیل نام دیگر قرآن، فرقان است. گاهی مخاطب کلام اهل حق‌اند، گاهی اهل باطل‌اند. گاهی اهل حق و باطل در مقام رهبری هستند، گاهی در مقام پیروی. گاهی اهل حق به طور مطلق یا اهل باطل به طور مطلق بیان می‌شود، در این صورت هم شامل رهبران و هم شامل پیروان می‌شود.
- رابعاً: در هر حالت غرض خطاب القاء حقیقت است (از مجموعه اول تا سوم):
 - مخاطب با حقیقت به صورت یک‌پارچه دیده می‌شود (این حقیقت باور مخاطب است)، مثبت و منفی دارد،خطاب ظاهراً بدون مخاطب ذکر می‌شود،
ثبوت و استقرارش بیشتر است / حالت تأکید در بیان حقیقت دارند.

- مخاطب جاری کننده حقیقت است.

اوامر و نواهی مستقیم به پیامبر و مومنین است. (مخاطب: رهبران، پیروان، گاهی هم رهبران و هم پیروان می‌باشند)

- مقابله کننده مورد خطاب قرار می‌گیرد و جاری کننده حقیقت است.

حقیقت خطاب به دشمن است و دشمن جاری کننده حقیقت است. خطاب‌ها یا احتجاج هستند، یعنی حجت می‌آورد تا دست از دشمنی بردارد، یا موضع‌گیری هستند.

خطاب‌های مختلفی که در قرآن وجود دارد (احتجاج/موضع‌گیری):

۱. قل + یا اهل الکتاب: دارای اندیشه کتابت مختلف که متصل به وحی است ولی به تدریج منحرف شدند.

۲. قل + یا ایها الناس: خطاب به همه مردم جهان/ بین المللی.

۳. قل + یا ایها الذین هادوا: رهبری مستکبران عالم (رسانه‌ای و تبلیغاتی).

۴. قل + یا ایها الکافرون: رهبران شرک و مقابله کنندگان نوعا خشن نظامی است (فراعنه)

۵. قل + یا قوم: شفقت و مهربانی برای همراه کردن.

۶. + یا عباد (الذین اسرفوا، الذین آمنوا): شفقت و مهربانی برای همراه کردن.

در این صورت مخاطب جاری کننده حقیقت در حمایت و پشتیبانی و نصرت ویژه متکلم قرار گرفته است. (موضع خدا و جاری کننده حقیقت یکی است)

۲۱ موضع‌گیری و ۳ تا ۱۶ احتجاج است.

قالب خطاب در نفوذ پذیری کلام بسیار موثر است و سرّ فهم، فهم لحن خطاب است. البته لحن را بر اساس ادبیات عرب هم می‌شود فهمید ولی اساس تشخیص این لحن، قالب خطاب است. دقیق‌تر اینکه خطاب به واسطه لحن آن منتلق (آزاد) می‌شود.

نفوذ کلام با لحن اتفاق می‌افتد. برداشت و فهم معنا از طریق گفتن موضوعی با لحن، حتی بدون خود کلام، هم انجام می‌شود. لحن برای رساندن کلام به مخاطب حرف اول را می‌زند. انسان با هرکسی از ناحیه لحن او ارتباط برقرار می‌کند. اگر کسی بتواند در قرآن قالب خطاب را فهم کند می‌تواند موضوع از قرآن استنباط کند، همچنین

می‌تواند با توجه به سرّ قرآن قالب خطاب را تشخیص بدهد و متناسب با هر غرض و مخاطب، قالبی را اتخاذ کند. موسیقی جزء اندکی از لحن است و نه خود لحن.

لحن حالت ارائه حقیقت، نفوذپذیری حقیقت و وجه حسن و جلوه بخشی (کرامت) به حقیقت است. قالب‌های بیانی مکشوف کننده لحن هستند. لحن را باید از هفت سال اول شروع کرد، هفت سال دوم آموزش داد، هفت سال سوم هم آزمون و خطا کرد و در پایان هفت سال سوم فرد باید لحن قرآنی داشته باشد.

پس: لحن = قالب خطاب + ادات به کاربرده شده در محتوای خطاب است.

دسته بندی قالب‌های خطاب

۱- گاهی متکلم همان مخاطب است. (آیاتی که خداوند به طور مطلق بیان می‌کند) که واضح و غیر واضح است و در این صورت ما مخاطب حقیقت و در بیان ارائه حقیقت هستیم. اینجا مقام علم و ذکر است. قالب خطاب را بر اساس تکلم خدا با رسول تعیین می‌کند. مخاطب در مقام بیان حکم قرار می‌گیرد.

۲- گاهی متکلم به طور واضح مخاطب پیدا می‌کند و خطاب را به او می‌کند، مثل انا اعطیناک الکوثر که متکلم اصرار دارد بر جداسدن مخاطب (رسول خودش را جدا کرده) و مخاطب در مقام انذار و بشارت قرار می‌گیرد.

این که خدا در کلام خودش بین پیامبر فاصله می‌اندازد یا جمع می‌کند، این نوع بیان قالب خطاب درست می‌کند (و الا قرآن که به پیامبر نازل شده است). خطاب قرب و بعد پیدا می‌کند و این وابسته به مخاطب است. یعنی سوره کوثر و مؤذتین انذار و بشارتی هستند.

۳- در بشارت و انذار یک حالت داریم که مخاطب و متکلم یکی می‌شود، که سه حالت پیدا می‌کند:

۱. بیان سیره و روش و سبک زندگی مثل سوره معوذتین

۲. احتیاج مثل سوره یوسن و انعام

۳. موضعگیری مثل سوره کافرون

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات